

نخبگان، ملی‌گرایی و دیاسپورای کرد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰)

محسن دیانت^۱

چکیده

امروزه یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی، دیاسپورا و کارکردهای آن در راستای تقویت ناسیونالیسم قومی در جوامع متکثر می‌باشد. جامعه دیاسپورا به‌عنوان یک کارگزار استراتژیک، پیشتاز حرکت ملی‌گرایانه و خالق جایگاه راهبردی برای خلق گفتمان‌های ملی است. ساختار فرصت‌ها و ظهور الیت‌های کرد در دیاسپورا به‌عنوان کارگزاران اصلی تعارض و ناسیونالیسم در خاورمیانه کنونی نقشی اساسی را ایفا می‌نماید. از سویی ناسیونالیسم در دیاسپورا صورت می‌گیرد و جوامع دیاسپورا تاثیر زیادی بر روی گفتمان و سیاست‌های سرزمینی می‌گذارند و بررسی آن در قالب نقش آفرینی اجتماعی حائز اهمیت است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش دیاسپورا به‌عنوان فرصتی برای جامعه با رویکرد ملی می‌باشد. سوال اصلی پژوهش این است که دیاسپورا چگونه باعث تقویت روحیه ملی‌گرایی در کردها می‌شود؟ فرضیه پژوهش حاکی از این است که تاکید الیت‌ها بر روحیه ملی‌گرایی باعث شکل‌گیری نظم اجتماعی کرد می‌گردد. این تحقیق با روشی تحلیلی - توصیفی در پی آنست که نشان دهد، نخبگان دیاسپورای کرد در جوامع غربی بر تعارضات هویتی و ناسیونالیسم کرد تاثیرگذار و درصدد هم‌سازای هویتی و ژئوپلیتیکی کردستان به‌عنوان یک

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (mdianat.pn@gmail.com)

واحد جغرافیایی متمایز می باشند.

کلیدواژه‌ها: دیاسپورا، نخبگان، ناسیونالیسم، کردها، برندسازی ژئوپلیتیک.

ایجاد و بسط ملی‌گرایی قومی جوامع خاورمیانه‌ای در جوامع غربی و ارسال اندیشه‌های نو به وطن مادری، از اهمیت شایانی در جامعه‌شناسی قومی برخوردار است. ناسیونالیسم در دیاسپورا تنوریزه و در وطن، پراکتیزه می‌گردد. بنابراین جوامع دیاسپورا تاثیر زیادی بر روی گفتمان، سیاست‌های سرزمینی و تعارضات قومی می‌گذارند. دیاسپورا در یک تعریف ساده به جمعیت مهاجری گفته می‌شود که به دلایل ناخواسته از سرزمین خویش مهاجرت می‌کنند و در سرزمین دیگری ساکن می‌شوند. واژه «Diaspora» واژه یونانی است که از دو بخش تشکیل شده است «speirō» به معنای «پراکنده می‌شوم» و «dia» به معنای «در خلال»، «در میان» و «از طریق» است. این مفهوم اما در ادبیات انسان‌شناسی^۱ یکی از مفاهیم شناخته شده است و به خصوص در بحث از تحرک جمعیتی، مهاجرت و جابه‌جایی‌های انسانی زیاد به کار برده می‌شود. در یونان باستان این مفهوم در مقایسه با کاربرد امروزی خویش کاربرد معکوس داشت. یونانی‌ها «دیاسپورا» را در مورد آن عده از شهروندان دولت - شهرهایی به کار می‌بردند که می‌خواستند در قلمرو فتوحات جدید جابه‌جا شوند و به قصد حکومت‌کردن و تصرف سرزمین مردمان شکست خورده، پس از پیروزی، جابه‌جا می‌شدند، با این حال دیاسپورا ظرفیت‌های قومی پراکنده در اقصی نقاط جهان به منظور بازتولید خواست‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر محوریت هویت واحد است. دیاسپورا فرصت‌های زیادی را برای جامعه دیاسپورمحور قرار می‌دهند به طوری که کردهای دیاسپورا با استفاده از فن آوری در گفتمان ملی شرکت می‌نمایند. این شرکت از طریق اینترنت و ابزارهای آن مانند ایمیل،



۱. anthropology.

وب سایت و غیره نهادینه می‌گردد. بنابراین آن‌ها از این طریق به خلق یک گفتمان ملی‌گرا سهم می‌شوند. ناسیونالیسم در دیاسپورا صورت می‌گیرد و جوامع دیاسپورا تاثیر زیادی بر روی گفتمان و سیاست‌های سرزمینی می‌گذارند (عبداله پور، ۱۳۹۳: ۵۴). دیاسپورا و دیاسپوراها، ملت‌های رها شده‌ای هستند که درصدد بازخوانش دوباره فضا در اشکال جدید می‌باشند. دیاسپوراها در جایی بین دولت - ملت‌ها و فرهنگ‌های مهاجرتی قرار گرفته‌اند که شامل سکونت در یک دولت - ملت و در یک مفهوم فیزیکی هستند، اما مهاجرت در یک حس معنوی، در فراسوی فضای دولت - ملت و زمان قرار دارد (Cohen, 1997: 135-6). دیاسپوراهاى معاصر نیز به‌مثابه موقعیت‌های فراسوی زمان - فضا و فراتر از شیوه‌های واقع شده مکانی و تجارب تاریخی زندگی قرار دارند (Mitchell, 1997: 534). به‌علاوه باید عنوان نمود که حرکت جوامع دیاسپوریک در چهار سطح محلی^۱، ملی^۲، منطقه‌ای^۳ و بین‌المللی^۴ قابل تحلیل و بررسی است و این همان چیزی است که ناسیونالیسم از دور^۵ و یا درنوردیدن جغرافیا و فضا در دیاسپورا نامیده می‌شود (عبداله پور، ۱۳۹۳: ۷۶). در این پژوهش ضمن بررسی تأثیر نخبگان دیاسپورای کرد در جوامع غربی بر تعارضات هویتی و ناسیونالیسم کردی می‌کوشیم نخست مبانی و پایه‌های نظری تحول فوق را مورد بحث قرار دهیم سپس با نگاهی تاریخی، مسئله پیدایش و اوج‌گیری ناسیونالیسم قومی کرد را مورد بررسی قرار دهیم.

-
۱. local.
 ۲. national.
 ۳. regional.
 ۴. international.
 ۵. Long - distance nationalism.

۱. پیشینه تحقیق

این قسمت به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده می‌پردازد. اندی کورتیس^۱ (۲۰۱۵) در مقاله «ناسیونالیسم در دیاسپورا، مطالعه جنبش‌های کردی» در این مقاله صورت‌بندی دیاسپورا، ملت‌های غیر متمرکز و خلق فراملی‌گرایی، شبکه‌های اجتماعی دیاسپورا و تاثیر آن‌ها بر کشور مادری، پرداخته می‌شود.

مقاله «فرآیند دولت‌سازی توسط دیاسپورا» توسط دان لینر^۲ در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی به تاثیر دیاسپورای خارج و تاثیر آن بر ناسیونالیسم کشور زادگاه می‌پردازد. در این مقاله از دیاسپورا به‌عنوان پیشتاز حرکت ملی‌گرایانه، یک جایگاه استراتژیک برای خلق گفتمان‌های ملی، چگونگی استفاده دیاسپورا از تامل با مقامات رسمی کشور مهمان و استفاده از فناوری و منابع مالی برای کشور زادگاه، بحث می‌گردد. مقاله «استفاده دیاسپورای کرد از فیس‌بوک در شکل‌گیری پدیده ملت‌سازی» توسط «کوردین و جاکوب» در سال ۲۰۰۸ با خوانش مفاهیم کلیدی مانند دیاسپورا، تاریخ و هویت کردها، از ارتباطات رسانه‌ای در دیاسپورای کرد، دیاسپورای دیجیتال، جستجوی هویتی در فضای مجازی و استقلال هویتی کردها را با استفاده از ابزارهای مجازی مانند فیس‌بوک را به تصویر می‌کشد.

مقاله «تعلق ملی‌گرایی در دیاسپورای کردها» توسط «جادین و هانسن» در دانشگاه آلبورگ در سال ۲۰۱۴ که در این مقاله بر نقش بازیگران کرد در دیاسپورا، سازه هویتی به‌مثابه یک فرآیند ضدیت، اسطوره ملی و مقاومت،



۱. Andy Curtis.
۲. Dan Lainer.

اروپای نمودن سیاست‌های ملی‌گرایانه کردها، ساختار فرصت‌ها و ظهور الیت‌های کرد در دیاسپورا به‌عنوان کارگزاران اصلی تعارض تاکید می‌شود. مقاله «ناسیونالیسم در دیاسپورا به‌عنوان یک جنبش اجتماعی» (مطاله موردی تاتارهای کریمه) در دانشگاه تورنتو کانادا توسط فلیزایدین^۱ در این مقاله نویسنده چرایی و چگونگی ظهور دیاسپورای تاتارهای کریمه، کیفیت توسعه دیاسپورای آن‌ها و دلیل موفقیت این دیاسپورا را نشان می‌دهد.

اوزلم گالپ^۲ در رساله دکتری خود به‌عنوان «موطن و هویت در گفتمان‌های ادبی و دیاسپورای کردهای ترکیه» در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه اکستر، هویت ملی کردها، مفهوم‌سازی مکان، موطن و جنبه‌های اساسی هویت، هویت و دیاسپورای کردها، دیاسپورا به‌مثابه یک فضای موقت، جهت سیاسی و ایدئولوژیکی در رمان‌های کردی در دیاسپورا و ایماژسازی هویت کرد در غربت را بررسی می‌نماید.

پژوهش‌های سابق عمدتاً به بررسی ساختار اصلی دیاسپورا با نمونه‌های موردی مختلف می‌پردازند، این در حالی است که پژوهش حاضر عمدتاً بر دیاسپورای کرد در منطقه خاورمیانه با در نظر گرفتن مجموعه مناسبات قدرتی بین دولت‌های منطقه تحت عنوان میدان عمل در کنار تاثیرگذاری نخبگان کردی با بهره‌گیری از فرایند نوسازی نامتوازن و نمادسازی به‌منظور برندسازی ژئوپلیتیک می‌پردازد. از این‌رو، پژوهش حاضر علاوه بر این که نوعی گسست از دیدگاه‌های قبلی محسوب می‌شود با ترکیب نظری جدید کاستی‌های تحلیلی مطالعات پیشین را پوشش داده و در نوع خود نوآورانه است.

۱. Filiz Adin.

۲. Galip.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. نخبگان در دیاسپورا، نظریه‌های ابزاری و نمادین

نخبگان، پیوندی عمیق و وثیق با سازه‌های هویتی دولت - ملت‌های ضعیف و خیزش ناسیونالیسم دارند. هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست، ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، تاریخ و فرهنگ و سرزمین مقدس دارند (gilberno, 2001: 243). آنتونی اسمیت، هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر پایدار ارزش‌ها، نمادها، افسانه‌ها و سنت‌ها می‌داند که عناصر تمایزبخش هر ملتی هستند، به عبارت دیگر، افراد به واسطه اشتراک داشتن در این‌گونه نمادها و نشانه‌ها، با گروهی از انسان‌ها که ملت نام دارد پیوند می‌یابند. (smith, 2000: 18). در این‌جا، نخبگان کرد، برای متقاعد نمودن مردم برای حمایت از تعارضات خشونت‌آمیز، به‌طور گسترده‌ای از نظریه‌های نمادین مرتبط با منابع ستیز و تعارض استفاده نموده‌اند. برای برای افزایش تاثیرگذاری رویکرد نمادین، باید ارزش‌های فرهنگی، اسطوره‌های تاریخی و نمادهای قومی و در کنار تهدیدات هستی‌شناختی که در تقابل با این نمادها می‌تواند عصیت را افزایش دهد مورد استفاده قرار گیرد (oztalas, 2004). در خصوص نخبگان باید عنوان نمود که نخبگان در جریان رقابت و مبارزات خود برای کسب قدرت سیاسی به طرح اختلافات زبانی، مذهبی و فرهنگی می‌پردازند و از آن‌ها به‌عنوان منابع جلب حمایت به‌منظور نیل به‌اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند. بنابراین، نخبگان قومی برداشت‌های خود را از هویت قومی شکل می‌دهند و تعریف متفاوتی از آن ارائه می‌کنند (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۷۰). از آن‌جا که نخبگان قومی در شکل دادن به هویت قومی و بسیج اقلیت‌ها فعالیت گسترده‌ای دارند، ناسیونالیسم قومی را باید حرکتی هدایت شده از بالا دانست نه حرکتی از پائین، یعنی در سطح توده‌ها. به‌گفته کارل براون،



این نخبگان در بسیاری از مواقع در پی تحریک و تشویق مداخله خارجی بر می آیند (Carl Brown: 1984, 58)، بنابراین نخبگان قومی که فاقد منابع مالی، نظامی، استراتژیک و سیاسی کافی هستند، معمولاً برای مبارزه با دولت مرکزی در صدد جلب حمایت خارجی بر می آیند. به عبارتی دیگر، بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع فراملی و هویتی در صورت کاهش منابع سخت مورد استفاده نخبگان جهت نقش آفرینی و تاثیرگذاری قرار می‌گیرند. بی‌تردید هویت اجتماعی یکی از این شاخص‌های اصلی است که در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های بیرونی منطقه مورد استفاده می‌باشد. از طرفی دیگر تنش‌زایی ساختار هویتی می‌تواند در پیشبرد این‌گونه تحولات موثر باشد. به‌گونه‌ای که «فیرون و لایتین» نیز در مقاله‌ای با عنوان خشونت و سازه‌های اجتماعی هویت قومی با تمرکز بر جامعه‌شناسی هویت، هویت را به‌عنوان یک دال مرکزی تنش‌آمیز می‌دانند که اغلب به‌وسیله منافع شخصی نخبگان به پیش برده می‌شود. در حالی که نظریه ابزاری، استدلال بر ملت و ملی‌گرایی دارد، تعارض قومی در این نحله، یک پدیده مدرن تصنعی است و توسط نخبگان ارائه می‌شود. نظریه نمادین، استدلال تصنعی ابزارگرایان را رد و تکیه بر تبیین‌های تاریخی درباره نمادهای قومی، تقسیم اسطوره‌ها و ارزش‌های فرهنگی بین نسل‌ها می‌نماید (Duygu & Rumine, 2005: 1). تصور نظریه ابزاری این است که هویت قومی توسط نخبگان قومی ساخته می‌شود (& berger, 1963, yong, 1993 Tilly, 1997). نظریه ابزاری هم‌چنین بر نوسازی و عوامل اقتصادی به‌عنوان منابع اساسی درگیری‌های قومی بحث می‌نماید. مطابق با نظریه نمادین، تفکر تعارض قومی با دوران مدرن مرتبط نیست. در این نظریه یک تداوم تاریخی میان گذشته و حال وجود دارد و مفهوم قومیت یک ابداع نیست (smit, 2001 & kaufman, 1997 & hasting, 1986-1991). بنابراین، نمادها، اسطوره‌ها و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی، سازندگان عمده قومیت می‌باشند.

تلفیق دو نظریه ابزاری و نمادین، وجود تعارض قومی کردها را با تحولات میدانی منطقه ثابت می‌نماید (Ergil, 1995 & oztalas, 2004 & Olson,). بنابراین از جنبه نوسازی مانند بهبود در نرخ سواد، حمل‌ونقل، ارتباطات، شهرنشینی، افزایش آگاهی شهری، تعارضات میان کردها و هویت‌های غیر را نشان می‌دهد و توجه به همین فرآیند نوسازی است که به درگیری‌های قومی عمق زیادی می‌بخشد. آلاهار (Allahar, 2005)، بر تاثیر توسعه اقتصادی به‌عنوان یک منبع تعارض در مناطق کردنشین خاورمیانه یاد می‌کند. مینرو و فولر^۱ با تأکید بر سیاست‌های انحصارطلبانه و ناکافی دولت‌ها در زمینه اقتصادی در مناطق کردنشین، از آن به‌عنوان یک منبع تعارض یاد می‌کنند. اوزتالاس (Oztalas, 2004)، موافق با نظریه‌های ابزاری، تعارضات را نتیجه تفکر نخبگان کرد می‌داند. به‌طور کلی در بررسی انگیزه نخبگان کرد هر دو نظریه ابزاری و نمادین قابل توجه می‌باشد. کیرشچی و ویندرو^۲، نشان می‌دهند که مطالبات اولیه نخبگان کرد عمدتاً به عقب‌ماندگی اقتصادی مرتبط بود و شکل ملی‌گرایی کرد در طول سال‌های پس از تعارض شکل گرفت. همان‌طور که بیان گردید منابع نمادین، مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تاریخی، اسطوره‌ها و نمادها می‌باشند. بنابراین کردها در میدان‌های کنش خود، این نمادها و اسطوره‌ها را در قومیت‌شان تعریف و باز تعریف نموده‌اند. به‌طور مثال حزب کارگران کردستان، با توجه به اسطوره‌های کرد، بر مالکیت خود بر سرزمین‌های داخل در قلمرو دولت ترک داعیه‌دار می‌باشد (duygu & romine, 2007: 11-15) و استدلال می‌کنند که ارزش‌های نمادین تهدید مانند زمین، زبان، مذهب و فرهنگ مشترک، یک نارضایتی قومی را در میان

۱. Minrow, 1997 & Fuller, 1998.

۲. Kirischki & Windrow, 1997.

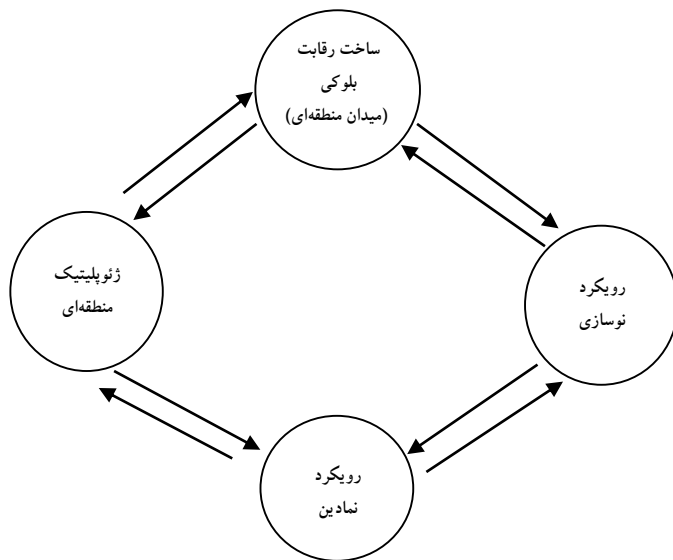


مردم کرد ایجاد نموده است. در نتیجه زمانی که یک فرصت به وجود آید، مردم کرد برای تعارض قومی علیه دولت ترکیه بسیج می‌شوند. بنابراین وقتی منابع خشونت را در تعارض کردها با میدان‌های رقیب خود تحلیل می‌نمائیم، متوجه استفاده موثر نخبگان احزاب کردی از منابع نمادین برای تعارض می‌شویم. در این چارچوب، نخبگان حزب کارگران کردستان، بر احساسات قومی مردم کرد و ایجاد دشمنی مشترک و قومی در برابر دولت ترکیه، تاثیر می‌گذارند (Gurbey, 1996 & Oztalas, 2004). در این جاست که نخبگان قومی کرد برای متقاعد کردن مردم، ایجاد یک ترس مشترک برای بقا ارزش‌های قومی، اسطوره‌ها و نمادها با استفاده از سختی‌های گذشته و تاکید بر درد و رنج را در دستور کار سیاستی احزاب کردی قرار می‌دهند. گرچه استفاده از نمادها و اسطوره‌ها برای تحریک توده‌ها مفید بوده، ولی گروه کوچکی از کردها را متقاعد به خشونت می‌نماید، بنابراین احزاب کرد در تلاش برای طغیان توده‌های کرد از رنج اقتصادی و معضلات امنیتی برای به دست آوردن حمایت‌های مردمی استفاده می‌کنند. به طور کلی در حالی که نظریه ابزاری، متکی بر نوسازی، عوامل اقتصادی و نقش نخبگان می‌باشد و بر توسعه جوامع از رهگذر مدرن‌سازی اجتماعی و دولت - ملت‌سازی توجه می‌کند، نظریه نمادین اسطوره، نماد، ترس و فرصت‌ها را برای به‌کارگیری بسیج امکانات معرفی کرده است. در یک تعامل متقابل می‌توان از رهگذر نوسازی بر شکل‌گیری ملت و دولت‌سازی کرد بر مبنای رفتار نمادین جهت کسب برندسازی منطقه‌ای تأکید کرد. بدین ترتیب، ستیز و تعارض اصلی کردها با میدان‌های منطقه‌ای را می‌توان در بعد ابزاری و نمادین تحلیل نمود و این در حالی است که نقش نخبگان کرد در تعارضات قومی و هویتی و تشکیل ناسیونالیسم کرد، برجسته و حائز اهمیت است. نخبگان، ابزار اصلی تعیین کدها و بینش ژئوپلیتیک دولت-ملت‌های ضعیف نیز بوده و درصدد هم‌آوایی بین

کد و بینش ژئوپلیتیکی آن‌ها می‌باشند. بر اساس دیدگاه دیجکینگ،^۱ سطح عمیقی از هم‌آوایی بین کدها و بینش ژئوپلیتیک یک دولت - ملت به‌خاطر یک بازشناسی به اشتراک گذاشته شده بین نخبگان سیاست خارجی و توده‌ها درباره بافت ژئوپلیتیکی دولت وجود دارد (Dijkink, 1998: 55).

ساخت منطقه خاورمیانه نوعی از سطح تعاملات قومی و رقابت‌های بلوک‌های قدرتی که کردها در میان آن‌ها پخش هستند به‌تصویر می‌کشد. ژئوپلیتیک منطقه که دولت‌های ملی و بلوک‌های قدرت بدان توجه دارند، نشان دهنده نوعی رقابت بین سطوح منطقه‌ای است که با اهمیت ژئوپلیتیک کرد در قالب رویکرد بسیج محور نخبگان کرد از رهگذر نوسازی و نمادگرایی همپوشانی دارد (نمودار، ۱).

نمودار ۱. مدل چارچوب نظری



۱. Dijkink.

به عبارتی، از رویکرد نوسازی در جهت برانگیختن توسعه نیافتگی قومیت کرد در قالب سیاست‌های منطقه‌ای در کشورهای عراق، ایران، ترکیه و سوریه که اهمیت ژئوپلیتیکی برای دولت‌های منطقه و نیروهای کرد دارد، به‌منظور فعال کردن و برندسازی این ژئوپلیتیک در میدان منطقه‌ای (ایران، عراق، ترکیه و سوریه) و رویکرد نمادگرایی به‌منظور برانگیختن هویتی و حرکت اجتماعی بهره برده می‌شود.

علاوه بر این، هر دو مولفه توده و نخبه، در مکانیزم تحریف اطلاعات جهان معاصر به‌عنوان پیامدهای سازه‌های اسطوره‌های ملی هستند (Dijkink, 1998: 55). با این وجود اگر نخبگان سیاست خارجی در ساختن هم آوایی کدها و بینش ژئوپلیتیکی‌شان با شکست مواجه شوند، توجیه سیاست خارجی آن‌ها برای توده‌ها با مشکل مواجه خواهد شد، چرا که، کد و بینش ژئوپلیتیکی محصول تعامل بین نخبگان سیاست خارجی و توده‌ها می‌باشد. نخبگان دولت - ملت‌های ضعیف برای خلق و ایجاد هم آوایی مذکور، استعداد بیشتری دارند، زیرا دولت‌های ضعیف در برخورد با بافت‌های ژئوپلیتیکی، موجد ناموزونی بین کد و بینش ژئوپلیتیکی هستند. به‌طور خاص کشورهایی که از بینش ژئوپلیتیک به‌عنوان یک استراتژی هویتی استفاده می‌کنند در صورت بندی و تدوین کدهای ژئوپلیتیک موزون و هم آوا با مشکلاتی مواجه می‌شوند.

۳. دیاسپورای کردها و تأثیر آن بر تعارض هویتی

پدیده مهاجرت همواره یکی از عناصر برجسته در تاریخ کردها و در قرن بیستم بوده است. در ادبیات علوم سیاسی از مهاجرت‌های گسترده قومی و مذهبی، با



اصطلاحاتی مانند دیاسپورا و ترانس ناسیونالیسم یاد می‌شود. از نظر لغوی دیاسپورا به معنای پراکندگی است (karla, 2005: 9). شفر^۱، دیاسپورا را به مثابه یک گروه اقلیت قومی با ریشه‌های مهاجرتی که در کشورهای میزبان برای حفظ تمایلات قوی با وطن اصلی خود کنش می‌کنند، می‌داند (sheffer, 1986: 3). سارفان، دیاسپورا را بخشی از مردم که در خارج از وطن اصلی خود زندگی می‌کنند می‌داند (sarfan, 1991). ادامسون و اندرسون، دیاسپورا را پیامد محیط فرا ملی می‌دانند که به وسیله مکانیزم ایجاد هویت استراتژیک و به وسیله گروه‌های نخبه ایجاد می‌گردد، می‌دانند (Anderson, 1992-). گرچه امروز این واژه دچار کشیدگی مفهوم گردیده است. بنابراین به مدد پدیده‌های مذکور و امنیت فردی و اجتماعی، شرایطی به وجود آمده که ناسیونالیسم کردی در دیاسپورا بازسازی شده و به صورت چند بعدی بر مهاجران^۲، کشور میزبان^۳ و مردم کشور اصلی^۴، تأثیر گذاشت (khayati, 2008).

ترانس ناسیونالیسم نیز مرحله فوقانی از زندگی در دیاسپورا است، به صورتی که فرد مهاجر در کشور مهمان، بدون جذب در فرهنگ هژمون، در هوای بازگشت به سرزمین اصلی خود سپری می‌کنند، در واقع نوعی ناسیونالیسم از دور است، اما به واسطه پدیده جهانی شدن، مهاجر در دیاسپورا احساس می‌کند که در دیاسپورا در آغاز تنها برای کوچ اجباری دسته‌جمعی یهودیان به بابل به کار می‌رفت و در حال حاضر این کلمه به مردمانی اشاره دارد که از سرزمین مادری

۱. sheffer.

۲. Immigrants.

۳. host land.

۴. home land.



خود پراکنده شده‌اند (cohen, 1997: 118).

سافران و کوهن، پراکندگی از هسته اصلی و رفتن اجباری به چند مکان مختلف را یک دیاسپورا می‌دانند. به گفته آن‌ها، این یک باور است که آن‌ها در دیاسپورا به‌طور کامل پذیرفته نمی‌شوند، بنابراین بازگشت به میهن، تعهد و حفظ میهن و در نهایت ارتباط با میهن در آگاهی جوامع دیاسپورا نقش اساسی دارد (safran, 1991: 83-99). در نگاه سافران، مدلی که می‌تواند یک دیاسپورای کامل را به تصویر کشد شامل تاریخ پراکندگی، حافظه تاریخی مکانی که ریشه هویتی فرد در آن‌جاست، بیگانگی در کشور جدید، تمایل به بازگشت به وطن اصلی، حمایت‌های مداوم از وطن اصلی و حس تعلق و هویت جمعی به‌مثابه یک گروه می‌باشد (safran, 1991: 83-99). به‌طور کلی سه رویکرد مختلف در مطالعه دیاسپورا در ادبیات کنونی وجود دارد:

رویکرد اول یک رویکرد سنتی است که جهانی شدن همراه خود تغییراتی را به‌وجود آورده است (cohen, 1992: 263-285).

رویکرد دوم به شرایط اجتماعی دیاسپورا و فرایندهای خودشناسایی فراملی در ارتباط با دول میزبان و قومیت محلی تکیه دارد (lawrence & wishart, 1990, 222-237).

رویکرد سوم به بررسی فعالیت‌های سیاسی آوارگان اشاره دارد (shain & barth, 109).

در رویکرد سوم آوارگان قومی، بازیگران سیاسی فعالی هستند که در ترویج هویت‌های رقیب که از کشور مستقل که در آن اقامت دارند درگیر هستند (Adamson & demetriou, 499-501). در این مفهوم بسیج سیاسی در رابطه با میهن، یک ویژگی مهم از آوارگان می‌گردد. یکی از موج‌های شدید دیاسپورای کردهای عراق بعد از توافقنامه ایران و الجزایر در سال ۱۹۷۵ بوده که در نتیجه آن ۵۰/۰۰۰ کرد به ایران و برخی از کشورهای غربی گریختند

عبداله پور، ۱۳۹۳: ۴۳). می‌توان دومین موج دیاسپورا را در انفعال کردستان عراق دید. باید عنوان نمود که دیاسپورای کرد یک دیاسپورا در مقیاس بسیار بالا است به طوری که ۳۰ - ۳۵ میلیون نفر برآورد می‌شوند (Gunter, 2004). این تحلیل بدان معنی است که تمامی کردها هم‌زمان که در کشورهای منطقه به‌عنوان شهروند قرار دارند؛ ولی هم‌زمان به‌دلیل عدم پدیده دولت - ملت کردستان در دیاسپورا زندگی می‌کنند. در جدیدترین آمار موجود، شورای اروپا، جمعیت کردهای دیاسپورا در اروپا را یک میلیون که ۸۵ درصد آن‌ها از کردهای ترکیه می‌باشند برآورد نموده است (Russell-Johnson, 2006).

۴. غرب و دیاسپورای کرد

سینتیا سالوم^۱ از محققانی که پدیده دیاسپورا را مرکز مطالعات خود قرار داده، اعتقاد دارد که حضور جوامع دیاسپوریک در نقش‌دهی سیاست خارجی آمریکا نقشی اساسی دارد (Salloum, 2015). در مقاله‌ای با عنوان «روابط دولت آمریکا و جامعه دیاسپورا در سیاست خارجی ایالات متحده» که توسط دو محقق آمریکایی نوشته شده، مکانیزم این روابط، تعامل بین سیاست‌گذاران آمریکایی و نخبگان دیاسپوریک عراق و کوبایی و چگونه سازمان یافتن این جامعه برای نقش‌آفرینی و بسیج همگانی در آن کشورها در راستای منافع آمریکا، نشان داده می‌شود (De wind & segue, 2010: 3-15).

سازمان‌های دیاسپورای کرد در اروپا میان کردهای خاورمیانه یک بیداری و خیزشی را به‌وجود آورده‌اند که کارکرد اصلی آن‌ها اعمال فشار بر دول خاورمیانه‌ای دارای اقلیت کرد می‌باشد (-Baser, 2012 Baser & 2013).



۱. Cynthia salloum.

در این راستا و مطابق با والبک^۱، لابی کردهای دیاسپورا با پارلمان‌های اروپایی برای حقوق رسمی کردها در ترکیه و عراق یکی از نمودهای آن می‌باشد (Whalbeck, 1999). به‌علاوه سازمان‌های دیاسپورا نقش کلیدی را در شکل دادن به‌زندگی روزانه، هویت و اقدامات کردهای دیاسپورا، ایفا می‌نمایند. از آن‌جا که دیاسپورا یک نقش کلیدی را در حوزه‌های جهانی به‌مثابه بازیگران غیردولتی ایفا می‌کنند، لذا تاکید بر حوزه‌های مالی، شبکه‌های اجتماعی و تاثیرگذاری بر احزاب اپوزیسیون در داخل کشور خود، سهم بسزایی در بسیج نیروها دارد (Baser, 2012). کشورهای غربی به‌طور مستمر پذیرای مهاجرینی از کشورهای دیگر می‌باشند. به‌طور مثال در شهر لندن ۳۰۰ زبان رایج وجود دارد و در حالی که ۴۹ درصد جمعیت شهر را بریتانیایی‌های سفید تشکیل می‌دهند، ۵۱ درصد جمعیت این شهر متعلق به مهاجران می‌باشد (Benedictus & Godwin, 2005). در خصوص تاسیس سازمان‌های کرد باید گفت که دو مؤسسه (SAK, ISK)، بیشترین تاثیر را در هویت‌بخشی کردهای دیاسپورا و تاثیر آن بر داخل منطقه اقلیم کردستان عراق داشته‌اند. در انگلستان «جامعه برای پیشرفت کردستان»، مجله «Kurdica» را منتشر نمود که هدف آن گسترش اطلاعات درباره موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کردها بود. در هلند نیز جامعه بین‌المللی کردها در آمستردام شکل گرفت که یک بولتن ماهانه را با نام «Kurdish fact» منتشر می‌نمود. هر دو مؤسسه فوق توسط دانشجویان و روشنفکران غیر کرد که ادعا می‌کردند، دوستان کردها هستند، تاسیس و حمایت شد (Edmont, 2001: 106). اما دیاسپورای کرد در این دوره و در دو مجموعه فوق، مجموعه‌ای از اهداف فرهنگی از جمله

۱. Whalbeck.

ترویج و توسعه زبان کردی و حفاظت از هویت فرهنگی کرد را به‌جای اهداف سیاسی صریح و روشن، انتخاب کرده بودند (Edmont, 105). به‌طور مثال، انستیتو کرد پاریس^۱، که در سال ۱۹۸۳ تاسیس یافت، در ابتدا یک نهاد فرهنگی بود، اما بعداً به‌یک سازمان مرتبط با فعالیت‌های سیاسی، تغییر جهت پیدا کرد (khayati, 2008). در دهه ۱۹۹۰، سازمان‌ها و مؤسسات دیگر کرد در شهرهای دیگر اروپا و آمریکا مانند مؤسسه کرد در استکهلم، بروکسل تأسیس شدند. این گروه‌ها و مؤسسات با ارتباطات قوی خود، ایده حمایت از یک هویت ملی کرد، اتحاد و یکپارچگی را برجسته می‌نمایند. در نتیجه، بسیج سیاسی میان دیاسپورای کرد به تقویت آگاهی از هویت قومی کردها و ارتباط با مفهوم وسیع‌تری از هویت کردی فراتر از واقعیت‌های قبیله‌ای و یا محلی می‌گردد. علاوه بر این از طریق فعالیت‌های لابی گروه‌های سیاسی کرد در دیاسپورا، تلاش برای تاثیرگذاری در سیاست‌های خارجی دول میزبان و اجتماع قومی نیز مدنظر قرار می‌گیرد. گروه‌های سیاسی در دیاسپورای کرد، شعارهای هویت ملی که به‌شدت به‌یک زبان ملی همگانی، متکی است را مورد تصدیق قرار می‌دهند.

آن‌ها اذعان دارند که ارائه هویت کردی به‌عنوان یک هویت همگن، برای به‌دست آوردن حمایت بین‌المللی لازم است. بنابراین تمرکز اصلی فعالیت‌های خود را به‌شدت در ایجاد یک زبان مشترک کردی هماهنگ و ارائه آن به‌جوامعه غربی برای اثبات تمایز^۲، قرار داده‌اند. در تاثیر اقدامات کردها در دیاسپورا باید گفت که تلاش روشنفکران و فعالین کرد در دیاسپورا معطوف به‌آگاهی قومی در اجتماعات کرد می‌باشد. آن‌ها تلاش خود را برای ایجاد یک هویت ملی از

۱. KIP.

۲. Distinction.



Archive of SID

طریق به‌نظم در آوردن زبان و فرهنگ، انجام داده‌اند (Anderson,) (imagined communities). از سوئی روشنفکران کرد در دیاسپورا از ابزارهای موجود دستگاه‌های دولتی استفاده ننموده‌اند بلکه از طریق رسانه‌ها، یک فرایند ملت‌سازی نخبه‌محور را به‌وجود آورده‌اند. اقدامات گروه‌های ناسیونالیست کرد در دیاسپورا در محتوای بین‌المللی نیز قابل رصد است. امروزه احزابی مانند پارتی^۱ و اتحادیه میهنی^۲، روابط بین‌المللی خود را با کشورها و سازمان‌های غربی به‌وجود آورده‌اند. این احزاب دفاتری در اروپا و آمریکا، جایی که اعضای دیاسپورای کرد به اقدامات سیاسی متعهدند، را تاسیس نموده‌اند. آن‌ها در اقدامات بین‌المللی جنبش‌های ناسیونالیستی مانند هدایت روابط سیاستمداران و بروکرات‌ها در اروپا و آمریکا و سازمان‌های غیر حکومتی شرکت نموده‌اند.

به‌طور کلی باید عنوان نمود که ناسیونالیسم در دیاسپورا ساختاربندی می‌شود و جوامع دیاسپورا تاثیر زیادی بر روی گفتمان و سیاست‌های سرزمینی دارند. دیاسپورا فرصت‌های زیادی را برای جامعه فراهم می‌آورد، به‌طوری که کردها با استفاده از فناوری در گفتمان ملی شرکت می‌نمایند و این شرکت از طریق اینترنت و ابزارهای آن مانند ایمیل، وب سایت و فضای مجازی نهادینه می‌گردد. بنابراین، آن‌ها از این طریق به‌خلق یک گفتمان ملی‌گرا دست می‌زنند. به‌طوری که سامان‌دهی آنان وجوه مختلف اقتصادی و نمادی را در بر می‌گیرد. وکتوریا برنل^۳، به تاثیرات متقابل دیاسپورا، فضای مجازی و تصویر سازی اشاره می‌کند. او استفاده از فضای مجازی برای تئوریزه نمودن راه‌های

۱. KDP.

۲. PUK.

۳. Victoria Bernel.

فرا ملی‌گرایانه، حوزه‌های عمومی^۱ و تولیدات فرهنگی اشاره می‌نماید. هم‌چنین از اینترنت به‌عنوان یک ابزار اساسی برای استقلال ملی که درگیر با هویت، دموکراسی، فرهنگ و تاریخ جوامع دیاسپورا است، یاد می‌کند (Bernel, 179-161: 2006). بنابراین رویکرد اصلی دیاسپورا تمرکز خود را بر روی هویت جمعی^۲ قرار می‌دهد (Bauboker & Thomas, 2004: 21).

از سوئی افراد در دیاسپورا به‌عنوان یک بازیکن مجازی در یک بازی مرگبار عمل می‌نمایند. گرچه جوامع دیاسپورا از خطرات سرزمین اصلی آگاه نیستند، در این‌جا دو گروه مختلف در داخل و دیاسپورا دستور کارهای متفاوتی دارند. جول دیمرز^۳ اشاره می‌کند که گروه داخل سرزمین اصلی، تجربه، ترس، گرسنگی، فشار روانی و درد را می‌فهمد همان‌طور که از لحاظ جسمی نیز در ستیز و تعارض درگیر است، در همین حال گروه دیاسپورا، احساس، خشم و از خود بیگانگی را درک می‌کند (Demmers, 2002). این تفاوت‌ها بر نگرش هر دو گروه تاثیر دارد، بنابراین اهداف دو گروه متفاوت است، اما با توجه به درجه بالائی از ارتباط، نسبتی معنادار در هدف آن‌ها وجود دارد. در خصوص تاثیر دیاسپورا بر دولت‌های میزبان نیز باید عنوان نمود که فراسوی ضریب نفوذ در سیاست‌های سرزمین اصلی، جوامع دیاسپورا، سیاست‌های کشور خود را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهند. در پدیده دیاسپورا باید بین مهاجران معمولی^۴ و پناهندگان^۵، تفاوت قائل شد، چرا که پناهندگان دارای یک روابط متمایز با هر دو کشور هستند یعنی کشوری که آن‌ها از آن مجبور به فرار و جایی که آن‌ها

۱. public sphere.

۲. Collective Identity.

۳. Jolle Dimmers.

۴. MIGRANT.

۵. REFFUGE.



به‌طور غیر ارادی در آن ساکن هستند. سازمان پناهندگان کرد در اروپا، اغلب و تا حد زیادی توسط بخش سیاسی و اجتماعی، کردستان عراق را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. مناطق و سرزمین‌های دیاسپورا، باید در چند گام مورد ارزیابی قرار گیرند. نخست در کشور میزبان که پیوند اجتماع دیاسپورا، نقش مهمی را ایفاء می‌نماید. سپس در کشور و یا سرزمین مبدأ که یک قطب جاذبه^۱ از طریق حافظه به‌وجود می‌آید. در نهایت این‌که از طریق سیستم رابطه‌ای در فضای شبکه‌ای است که این قطب‌های مختلف به‌یکدیگر متصل می‌شوند (Cohen & Sheffer, 1997: 2003). به‌علاوه درجه‌ای از آسیب‌پذیری در کشورهای همسایه کردستان، از توسعه و پیشرفت دیاسپورا وجود دارد. این آسیب‌پذیری، ناشی از اتصال این دولت‌ها بر پایه‌های ایدئولوژیک است، کمالیسم یا پان ترکیسم در ترکیه، پان عربیسم حزب بعث در سوریه و ایدئولوژی شیعه در ایران. این پایه‌های فکری، کشورهای مذکور را در معرض تغییرات داخلی و خارجی قرار می‌دهد (Rafaat, 2007: 289). بنابراین، سازه‌های ایدئولوژیک متعارض و نرم افزارهای سیاسی - ایدئولوژیک میدان‌های مسلط منطقه‌ای، از جمله چالش‌های دیاسپورا با میدان‌های منطقه‌ای است (عبداله پور، ۱۳۹۳).

۵. برندسازی ژئوپلیتیک کردستان

یکی از کارویژه‌های اصلی دیاسپورا، برندسازی هویتی قومیت در جامعه دیاسپوریک در راستای ملی‌گرایی می‌باشد. ادبیات فراوانی در حوزه برندسازی توسط اندیشمندان به‌رشته تحریر درآمده است (Aaker, 1996^۲) که البته بار

۱. pole of attraction.

۲. منابع بیشتر در این زمینه:

Kapferer, 1997 & Aaker, 1997 & de Chernatony, 1999 & Urde, 1999 & Davis 2002 &

مدیریتی داشته و بالطبع، چشم‌انداز، مأموریت، اهداف، ارزش‌ها، اجرا و تحلیل موقعیتی در آن‌ها برجسته می‌باشد. ظهور مدل برندسازی ژئوپلیتیک وابسته به ذی‌نفعان آن می‌باشد چرا که آن‌ها شروع‌کننده و مدیریت فرآیند برند را بر عهده دارند. مدل برندسازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک می‌باشد و پیش‌شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیکی و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم بنماید. فراموش نکنیم مدل برندسازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیکی دولت‌های ضعیف، علیه ساختار و له‌کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی و سرزمینی رخ می‌دهد.

جدول ۱. مدل برندسازی ژئوپلیتیک کردستان عراق

کارکرد	اجرا	هویت برند
<ul style="list-style-type: none"> - بسیج حامیان و متحدان (کوردایه تی و غرب) - مرعوب نمودن رقبا - تغییر رژیم و قلمرو 	<ul style="list-style-type: none"> - ساختار حکمرانی (مدل فدرالیسم) - قدرت نظامی ساختار نظامی پیشمرگه‌ها - منابع (انرژی، آب و گاز) - ابزارهای ارتباطاتی (ماهواره، مطبوعات، دیاسپورا) 	<ul style="list-style-type: none"> - چشم‌انداز (تنها ملت بی‌دولت در جهان) - ارزش‌ها (تاریخ، هویت، زبان، نژاد) - نمادها (پرچم، سرود و...) - اشخاص برند (پیشمرگه) - تصویرسازی از دشمن (تعارض با میدان‌ها) - ادعای قلمروئی (کردستان خود یک برند و فراتر از نام کردستان ترکیه، عراق و...)

نتیجه‌گیری

مهاجرت کردها به اروپا عموماً در دو مقوله اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شود



که البته مهاجرت سیاسی بر مهاجرت اقتصادی غلبه دارد و از همین رو است که یکی از سیاسی‌ترین دیاسپوراهاى دنیا، دیاسپورای کرد می‌باشد. با وجود تاریخ کهن شاکله‌های فرهنگی و هویتی نزد کردها، رویدادها و تحولات معاصر نظیر تعمیق فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، نفوذپذیر شدن فزاینده مرزهای اجتماعی و گسترش ارزش‌های جهان شمول، به تشدید ضایعات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منجر شده است. در این راستا کردهای عراق با توجه به هویت قومی تأثیرگذار می‌توانند ابزاری مناسب برای اعمال خواست‌های قومی خود داشته باشند و در همین زمینه منطقه اقلیم کردستان که بنیان آن بر پایه هویت کردی است، ناگزیر است بر تمایل‌ها و ارزش‌هایی تکیه کند که ماهیت حکومت را تشکیل داده و آرمان سیاسی جامعه کرد است. در دو دهه گذشته به‌علت سه عامل مهم توسعه سیاسی در کردستان عراق، بسط و گسترش دیاسپورای کرد و استفاده از رسانه‌ها، ماهواره و اینترنت میان کردها، هویت کردهای عراق در یک حالت فرامرزی و تعارض‌آمیز با تحولات منطقه‌ای حرکت کرده است که مدت‌ها با سامان‌دهی و تاثیرگذاری نخبگان کردی صورت پذیرفته است.

با استفاده از مولفه‌های فوق است که می‌توان گفت از میانه دهه ۹۰ میلادی ارتباطی گفتگو محور^۱ بین کردها جهت هم‌افزایی هویتی در داخل و تعارض با برون شکل گرفته است. در این راستا، عملکرد تعارض کردهای عراق در چهار سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تحلیل و بررسی است. در سطح محلی، رقابت گروه‌ها و احزاب بر سر دستیابی به منابع کمیاب مانند منابع آبی، زمین، درآمدهای گمرگی است. این تعارض را می‌توان در احزاب PDK و PUK در جنگ‌های داخلی دهه ۹۰ میلادی آن‌ها مشاهده نمود. در سطح

۱. Dialogic communication.

ملی، مدعیان کسب قدرت در جستجوی تسلط بر فرایندهای سیاسی ملی هستند که به‌موجب آن، کنترل بر منابع اقتدار مشروع بین‌المللی را به‌دست آورند. توزیع قدرت سیاسی در بین احزاب کرد عراق و تلاش آن‌ها برای رسیدن به‌جایگاه ریاست جمهوری عراق، وزرا و سفرای کشور عراق در این مقوله جای می‌گیرد. در سطح منطقه‌ای، تعارض و تعاملی با میدان‌های مسلط منطقه‌ای دیده می‌شود. نزدیکی PDK به ترکیه و PUK به ایران در سالیان اخیر در این راستا قابل تحلیل است. از طرفی دیگر در سطح بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ جهانی در شطرنج فرهنگی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی مناطق هدف خود، رقابت می‌کنند. پس از جنگ جهانی اول و تصویب عهدنامه‌های سایکس پیکو، سور و لوزان، کردستان عراق، عرصه تاخت و تاز ابرقدرت‌ها و عوامل فرامنطقه‌ای در کشورهای پیرامونی بوده است که نمود آن را می‌توان در حمایت‌های اسرائیل و آمریکا از انقلاب دهه ۱۹۷۰ میلادی کردهای عراق، مشاهده نمود. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی یکی از عناصر اساسی سیاست‌گذاری خارجی دولت‌ها به‌خاطر موقعیت استراتژیک آن‌ها است.

در زمینه چگونگی استفاده دولت‌ها از جغرافیا باید گفت، شیوه‌های جهت‌یابی کشورها به‌سوی جهان خارج یک کد ژئوپلیتیک نامیده می‌شود. گرچه کردستان عراق یک دولت - ملت نیست؛ ولی به‌عنوان یک شبه‌دولت یا ساختار دوفاکتو با رصد ژئوپلیتیکی، کدهای ژئوپلیتیک اطراف خود را در میدان‌های متعارض، تشخیص و با توجه به مضائق و فرصت‌های ژئوپلیتیکی در میدان تاثیرگذاری آن‌ها قرار می‌گیرد و این در حالی است که توجیه نزدیکی یا دوری خود را با ابزارهای بشردوستانه برای جامعه جهانی و عموم مردم به‌پیش می‌برد. به‌طور کلی می‌توان گفت، شبیه بسیاری از ملت‌های جهان، هویت کردها مبتنی بر قلمرو جغرافیایی، مذهب، زبان و نژاد مشترک‌شان است که کردستان نامیده می‌شود. این هویت از عهدنامه لوزان در سال ۱۹۲۳، به‌عنوان یک هویت مخدوش، منبع تعارضات با همسایگان کردها بوده که این تعارض و ستیز،



Archive of SID

عادت‌واره کردها را در قرن بیستم شکل داده است. به نوعی که می‌توان عادت‌واره کردها را مترادف با ستیز و تعارض دانست. در نتیجه دیاسپورا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نمادی و توسعه نیافتگی منطقه‌ای به دنبال برندسازی ژئوپلیتیکی کرد در دل میدان منطقه‌ای است. به نظر می‌رسد که بهره‌گیری نخبگان کرد از فضاهای ارتباطاتی گوناگون به خصوص فضای مجازی کنونی می‌تواند، رهیافتی به سمت برانگیختن حس ناسیونالیستی کردها باشد که خود معلول نوعی از وابستگی نمادی در میان کردها است و اهمیت معادلات خاورمیانه، ظرفیت‌های آسیب‌پذیری دولت‌های منطقه را بالا برده و این تحرک‌ها منجر به برندسازی ژئوپلیتیکی کردها می‌شود.

منابع

الف) فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۹)، قومیت و قوم‌گرایی، *از افسانه تا واقعیت*، تهران: نشر نی.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- دیانت، محسن؛ عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۳)، *دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه*، تهران: انتشارات کلک سیمین.
- عبدالله‌پور، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳)، «میکروشامپ کردستان عراق در ماکروشامپ‌های ایران و ترکیه»، *فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو به جغرافیا*، دانشگاه آزاد واحد گرمسار.
- عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۵.

ب) انگلیسی

- Amberin Zaman (2016), *Public Policy Fellow*, Woodrow Wilson Center; Columnist, Diken. com. tr and Al-Monitor Pulse of the Middle East, Islamic state network in Turkey, Recruitment for the Caliphate, Aron Stein, Rfigh Hariri center for middle East.
- Adamson, Fiona, 'Crossing borders: international migration and national security', *International Security*, 31 (1): 165-199.
- Allahar Anton (2005), *Ethnicity, Class, and Nationalism: Caribbean and Extra-Ccaribbean Dimensions*. Maryland, US: Lexington Books.
- Allahar Anton. (2005), *Ethnicity, Class, and Nationalism: Caribbean and Extra-Ccaribbean Dimensions*. Maryland, US: Lexington Books.



- Baubock & Thomas faist (Edit) (2004), *dias pora and transnationalism: concepts, theories & methods*: Amesterdam university press.
- Bernel, V. (2006), Diaspora, cyberspace & political imagination the Eriterian Diaspora on line, *global network* 6. 2ISSN: 1470-2266.
- Besikci, Ismail (1992), *Doğu Anadolu'nun Duzeni* I, II. Ankara: Yurt Yayinlari.
- Besikci, Ismail (1969), *Dogu Anadolu'nun Duzeni*: Sosyo/Ekonomik ve Etnik Temeller. Ankara: E Yayinlari.
- Brubaker, R. (2005), *The 'diaspora' diaspora*. *Ethnic and Racial Studies*, 28 (1), 1-19.
- Bernal. V. (2004), 'Eritrea goes global: reflections on nationalism in a transnational era', *Cultural Anthropology*, 19, 3-25.
- Demmers, J. (2007), "New Wars and Diasporas: Suggestions for Research and Policy." *Journal of Peace, Conflict and Development*, Vol. 11, 1-26.
- Ergil, Dogu. (1995), "Dogu Sorunu: Teshisler ve Tesbitler." TOBB: *Stratejik Arastirmalar Dizisi* 1 (July).
- Ergil, Dogu (1995), "Dogu Sorunu: Teshisler ve Tesbitler." TOBB: *Stratejik Arastirmalar Dizisi* 1 (July).
- Cohen, Robin (1997), 'Diasporas, the nation-state, and globalization', in Wang Gungwu (ed.), *Global History and Migrations*, Boulder, CO: Westview Press, 1997, 117-144.
- Cohen, R. (1997), *Global Diasporas: An Introduction*. London: UCL Press.
- Dogan, E (2003), Kurds Wait for Turkish Sea Change, *bbc. News* Available at: <http://news.Bbc.Co.UK>.
- Flint, C. (2006), *Introduction to Geopolitics*, London, New York: Routledge Russell-Johnson, Lord. 2006. "The Cultural Situation of the Kurds." Council of Europe Report, Committee on Culture, Science and Education, 7 July. Accessed September 28, 2011. <http://assembly.coe.int/Main.asp?link=/Documents/WorkingDocs/Doc06/EDOC11006.Htm>
- F. Stephen Larrabee (2010), *Troubled Partnership: U. S. -Turkish Relations in an Era of Global Geopolitical Change*, Santa Monica, Calif: RAND Corporation, MG-2010-AF,
- Graham-Brown, S (2000), "Sanctioning Iraq: A Failed Policy", *Middle East Report*, No. 215.

- Gulden, Ayman (2012), *Regional Aspirations and Limits of Power-Turkish-Iranian Relations in the New Middle East*, Marmara University, Faculty of Political Science.
- Gunter, M. M (1999), *The Kurdish Predicament in Iraq. A Political Analysis*, London: mac illan, pp. 36-50.
- Ghreeb, E (1981), *the Kurdish Question in Iraq*, Syracuse NY: Syracuse University Press.
- Gunter, M. M& Hahn, Yavuz (2005), "The Continuing Crisis in Iraqi Kurdistan" 127.
- Gunter, Michael. M (2005), "The Continuing Crisis in Kurdistan", *Middle East Policy*, Vol. 12, No. 1.
- Gurbey, Gulistan (1996), "The Development of the Kurdish Nationalism Movement in Turkey since the 1980s." In *The Kurdish Nationalist Movement in 1990s: Its Impact on Turkey and the Middle East*, ed. Robert Olson. Lexington, K. Y.: The University Press of Kentucky.
- Gurbey, Gulistan. (1996), "The Development of the Kurdish Nationalism Movement in Turkey since the 1980s." In *The Kurdish Nationalist Movement in 1990s: Its Impact on Turkey and the Middle East*, ed. Robert Olson. Lexington, K. Y.: The University Press of Kentucky.
- Hastings, Adrian (1997), *The Construction of Nationhood: Ethnicity, Religion and Nationalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Horowitz, Donald (1985), *Ethnic Groups in Conflict*. Berkeley, G. A.: University of California Press.
- Huseyin Bagchi, Aslahan Anlarar Doganlar (2009), changing geopolitics and turkey foreign policy, *Middle East Technical University*, Ankara, Turkey, VOL. XVI, 2
- Kaufman, Stuart J (2001), *Modern Hatreds: The Symbolic Politics of Ethnic War*. Ithaca, N. Y.: Cornell University Press.
- Hiro, Philip (1998), *Dictionary of the Middle East*. Policy Studies Organization, pp 170- 1,252-3. <http://www.kudistantv.net>. 2007. 9-24. 14. 46
- Hastings, Adrian (1997), *The Construction of Nationhood: Ethnicity, Religion and Nationalism*. Cambridge: Cambridge University Press
- Karim, yhlidis (2004), *the Kurd in Iraq: the past, present and future*, London, plutopress.
- Katz man, Kenneth (2008), *Iraq: Post-saddam governance and security* (congressional research service).



Archive of SID

- Katz man, Kenneth (2009), *Iraq: post - Saddam Governance and Security* - specialist in Middle Eastern Affairs
- Sheffer, G. (2003), *Diaspora Politics: At Home Abroad*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Olson, Robert (1996), *the kurdish nationalist in the 1990*. usa: theuniversitypress of Kentucky.
- Osmanczyk, Edmund J. (2002), *Encyclopedia of the United Nations and International Agreements*.
- Sarah Graham Brown (1995), states that international humanitarian aid efforts provided daily subsistence of 1. 25million of 3. 5 million Iraqi Kurds in 1995. See. Graham-Brown, S. "Intervention, Sovereignty and
- Melvin Ember& other (2005), *Encyclopedia of Diasporas*, 2005, Part I, 214-224, DOI: 10. 1007/978-0-387-29904-4_21, Springer.
- Izadi, Mehrdad (1922), *The Kurds*, Washington: Grane Russak.
- katzman, Kennet (1968), "Iraq: Elections, and Constitution" <http://www.fas.org/sgp.crs/mideast/RS2/1968>.
- Kuperman, Alan. J (2009), *Humanitarian Intervention, In Human Right: Politics& Practice* 338, Michael goodhart ed, Oxford.
- Joshua Fishman, 'Ethnicity as Being, Doing, Knowing', in Hutchinson and Smith, p. 67
- Meho& Nehune (2004), "The Legacy of U. S. Support to Kurds," 22-23.
- Ozcan, Nihat. Ali (2004)," Could a Kurdistan State Be Set up in Iraq "*Middle East Policy*, Vol. 6, No 1.
- Rafaat, Aram (2007), "U. S – Kurdish Relation in Post- Invasion Iraq", (<http://www.gloriacenter.org>).
- Smith, A, D (1989), *Nation: Old& New: Comments on Anthony d. Smith the myth of the " , modern nation & myths of nations"* ethnics & racial studies, 12, July: 3320
- Terrill, W. Andrew (2005), "Strategic Implications of Intercommunal Warfare in Iraq," *US Army*.
- Nilüfer Duygu Eriten& Jennifer Romine, University of Illinois at Urbana-Champaign, INSTRUMENTAL AND SYMBOLIC SOURCES OF ETHNIC CONFLICT: APPLICATION TO THE KURDISH CONFLICT IN TURKEY
- Shain, Yossi& Aharon Barth (2003), 'Diasporas and International Relations Theory', *International Organization*, Summer, 57 (3): 449-479.

- Safran, William, 'Diasporas in modern societies: myths of homeland and return', *Diaspora* 1 (1): 83-99.
- Robert, Lowe & Chatham House (2006), *The Syrian Kurds: A People Discovered*, Middle East Programme.
- Simon Rogers (1982), *Gramsci's Political Thought an Introduction* (London: Lawrence and Wishart, p. 21.
- Lussac, Samuel (2008), "The Baku-Tbilisi-Kars, Railroad and its Geopolitical Implications for the South Caucasus", *Caucasian Review of International Affairs*, Vol, 2(4), pp 212-224.
- Norton, William (2000), *Cultural Geography* "Themes, Concepts, Analysis", Oxford Press, New York.
- Virinder S. Karla; Riminder Kaur & Hohn Hutnyk (2005), *Diaspora & Hybridity*, Sage Publication, 1st edition.
- Kirisci, Kemal and Gareth M. Winrow (1997), *The Kurdish Question and Turkey*. Portland, Oregon: Frank Cass.
- Oztales, Filiz (2004), "Severe Ethnic Violence: An Integrated Explanation of the Turkish-Kurdish Case." Ph. D. diss., University of Kentucky.
- Kaufman, Stuart J (2001), *Modern Hatreds: The Symbolic Politics of Ethnic War*. Ithaca, N. Y.: Cornell University Press.
- Smith, Anthony D (1991), *National Identity*. Harmondsworth: Penguin.
- Smith, Anthony D (1986), *The Ethnic Origins of Nations*. Oxford: Basil Blackwell.
- Nelly Bekus, Struggle (2010), *Over Identity: The official and the Alternative Belarussianness* (Central European University Press.
- Gurr, Robert (2009), *Peace and Conflict*, Wilkenfeld: Paradigm Publishers.
- Swartz, Turner, Tuden (eds.) (1966), *Political Anthropology*. Chicago: Aldine Publishing Co.
- Hesse, Mary B (1970), *Forces and Fields: The Concept of Action at a Distance in the History of Physics*. Westport, Connecticut: Greenwood Press.
- Rummel, Rudolph J. (1975), *Understanding Conflict and War*. Volume I. The Dynamic Psychological Field. New York: John Wiley and Sons
- Khayati, Khalid. (2008a), "From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations among Kurds in France in Sweden." PhD Thesis, Linköping Studies in Arts and Science, No. 435, Linköping University.



Archive of SID

- Oztales, Filiz (2004), "Severe Ethnic Violence: An Integrated Explanation of the Turkish-Kurdish Case." Ph. D. diss., University of Kentucky for Tukey which is the Lesser Evil: ISIS or the Kurds?
- M. demetriou (1998), *Towards post nationalism? Diasporic Identities & the political process*, university of kent.
- Sheffer, G. (ed.) (1986), *Modern Diasporas in International Politics*. London: Croom Helm.
- Sheffer, G. (2003), *Diaspora Politics: At Home Abroad*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shain, Y. & A. Barth (2003), 'Diasporas and international relations theory', *International Organization* 57 (3): 449-479.
- Smith, Robert C. (2000), 'How durable and new is transnational life? Historical retrieval through local comparison', *Diaspora* 9 (2): 203-234.
- The Democratic Self-Administration of Rojava, Foreign Relations Commission, ISIS and Turkey File 29/08/2016 e Atlantic the Middle East
- Marks, Monica (2016), *ISIS and Nusra in Turkey, Jihadist recruitment and Ankara response*, Institute for strategic Dialguue Turkes vs. ISIS and PKK: A Matter of Distinction, bipartisan public center
- Nolte, D. (2007), *How to Compare Regional Powers: Analytical Concepts and Research*.